

تحول و عمل گام اول

سرمقاله

در استقبال از اولین سال اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

هر سال مهر ماه، سرآغاز مهر تازه‌ای است که به گونه‌ای چند وجهی در جامعه آموزشی کشور رخ می‌نماید و بهاری را نوید می‌دهد که در آن بالندگی، رشد و پیشرفت اجتماعی به عنوان سرمنزل مقصود خودنمایی می‌کند. شور و شغف دانش آموزان و امیدهای نو شده در دل معلمان خردروز و دلسوز، مه‌ری را نوید می‌دهد که در آن احسن حال مورد توجه قرار می‌گیرد اما به راستی این احسن حال در حیطه آموزشی چیست؟ به گمان ما در یک کلمه «اجرای آموزش و پرورش اسلامی» است. همواره یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای ملت مسلمان ما بر خورداری از آموزش و پرورش بوده است که بر مبنای اندیشه‌ها و فلسفه تربیتی - اجتماعی اسلام شکل گرفته باشد. در این خصوص و در مرداد ماه ۱۳۸۶، مقام معظم رهبری فرمودند: «آموزش و پرورش کنونی کشور ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه مان نیست. بنای کار بر آن فلسفه‌ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم»

این سخنان بیانگر آرزوی ملتی بود که انقلاب اسلامی را با زیر ساخت فرهنگ اسلامی به پیروزی رسانده اما هنوز نتوانسته بود آموزش و پرورش را به وجود آورد که در آن فلسفه انسان گرایانه و غیر الهی (اومانیستی) غربی در جان و دل همه و به ویژه اندیشمندان تعلیم و تربیت رسوخ کرده باشد. این امر بارها مورد تأکید ایشان قرار گرفت. در نهایت «شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «وزارت آموزش و پرورش» تلاش کردند تا اسناد بالادستی تحول در آموزش و پرورش را تنظیم کنند و اکنون این اسناد به قانون تبدیل شده است.

۱۳۸۶ / مرداد / ۱۳۸۶



از نظر ما این اسناد باید به سرعت و با دقت تمام به اجرا در آید اما آنچه مهم است و در گام‌های نخست باید کسب مهارت‌های اجتماعی در گام بعدی در وهله اول و اجتماعی ما به خصوص در مدارس با آن چه که رفتارهای ما انتظار دارد منطبق نیستند و به دلیل رسوخ فرهنگ غلط اومانیستی غرب، این رفتارها آسیب‌های فراوانی به مردم وارد کرده‌اند. اینجاست که ضرورت تبیین الگوی اخلاق اجتماعی اسلامی و کار بست آن در حوزه تبیین الگوی اخلاق اجتماعی از فرهنگ غنی اسلام، لازم می‌نماید. لازم است این الگوها در مدارس در تمامی سطوح، اعم از مسئولان، مدیران، دبیران، کارکنان و دانش‌آموزان، به اجرا در آید. پس از چندی با شاخص‌های تعیین شده آموزان، به اجرا در آید. پس از چندی با واضح است که بازگشت به رفتارهای اجتماعی اسلامی به ندرت‌های دنیای غرب دارند، حتی آنها که ریشه در اندیشه‌های دنیای غرب دارند، نیست. رفتارهای کنونی تا بدان جا که با عرف اجتماعی ما سازگاری دارند باید به کار گرفته شوند؛ یعنی، رفتارهای اجتماعی عرفی باز کردن زنگارهای ناشی از سلطه اخلاق نسبی گریانه غرب و صیقل دادن به آنها، باید در نظام اجتماعی اسلام تحلیل شوند و به اجرا در آیند.

نکته بعدی آن که باید هم چون دیگر زمینه‌های علمی و فناوری که کشور در آن‌ها با جهش‌های باورنکردنی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای پیشرفت کرده است، به پیشرفت نظام آموزش و پرورش اندیشید و آن را محقق ساخت. دنیای غرب درست از همین منافذ در فرهنگ ما رسوخ کرده است. اگر این منافذ به سرعت بسته نشوند، تحول با شکست روبه‌رو خواهد شد. می‌دانیم که سرعت امور فرهنگی چندان مقبول نیست اما ما در بستری قرار گرفته‌ایم که اگر عزمی ملی پشت سر آموزش و پرورش ما نباشد، در درازمدت نمی‌توانیم آن‌چه را که پیش از ۳۰ سال برایشان زحمات جان‌فرسایی کشیده ایم، به ثمر رسانیم و از آنها بهره ببریم.

توصیه ما نخست به معلمان و آموزش بار دیگر آغاز شده، دانش‌آموزان این است که درباره مسائلی که عنوان الگوهای مطالعات فراوانی داشته باشند، رفتارهای اجتماعی اسلام به الگوهای رفتاری خود تبدیل کنند و در سه سطح خانواده، مدرسه و جامعه آنها را به اجرا در آورند. در این زمینه با توجه به زحمات زیادی که برای «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» کشیده شده، توصیه اکید ما آن است که این طرح به عنوان مرجع اصلی رفتارهای اجتماعی، مدنظر دبیران و معلمان قرار گیرد و آنها با مطالعه جدی آن، در این تحول بزرگ فرهنگی اجتماعی مشارکت کنند.

سر دبیر